ادامه از صفحه ۱۶

بنی‌آدم گاهی اعضای یکدیگرند

دکتر نعمت احمدی، حقوق‌دان در مورد شـرایط گرفتـن تابعیـت ایرانی و وضعیت مهاجـران افغان چنین می‌گوید:

«ما در دنیا دو شـیوه تابعیت داریم: شیوه خاک و شـیوه خون. در کشورهای مهاجرپذیر مثل آمریکا هر فردی که در خاک آمریکا متولد شـود، فارغ از ملیت پدر و مادرش، آمریکایی محسوب می‌شود.

در سیسـتم خون مثل سیستم ایران، مهم نیست کـه شـما کجا به دنیـا آمده‌اید، مهم این اسـت که از کـدام خـون و کدام صلـب هسـتید. بنابراین به هیچ‌وجه نمی‌شـود فـردی غیر از این بـه تابعیت ایران دربیاید.

کتاب دوم قانون مدنی ماده ۹۷۶ می‌گوید:

اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۱ - کلیه سـاکنان ایران به استثنای اشخاصی که تبعیـت خارجی آنها مسـلم باشـد. تبعیت خارجی کسـانی مسـلم اسـت که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

۲ - کسانی که پدر آنها ایرانی است؛ اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

۳ - کسـانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشند.

۴ - کسـانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به‌وجود آمده‌اند.

۵ - کسـانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه اسـت، به‌وجود آمده و بلافاصله پس از رسـیدن به سـن ۱۸ سـال تمام، لااقل یک‌سـال دیگـر در ایران اقامت کرده باشـند؛ والا قبول‌شـدن آنها به تابعیت ایـران، طبـق مقرراتی خواهد بود کـه مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.

۶ - هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۷ - هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

طبق بند چهار، نسل دوم افغان‌هایی که در ایران به دنیا آمده‌اند، می‌توانند تابعیت ایران را احراز کنند؛ اما عملا بندهای قانونی این‌چنینی هم برای افغان‌ها کاربـرد چندانی نـدارد، چون اکثر آنها قـادر به ارائه مدارکی نیسـتند که پدر و مادر آنهـا در ایران به دنیا آمده‌اند. طبق ماده ۹۷۹ نیز افراد با شرایط مشخصی می‌توانند تقاضای تابعیـت ایرانی کنند؛ اما تابه‌حال موردی نبوده که با چنین درخواسـتی بتواند تابعیت ایران را کسب کند. ما ازجمله کشورهایی هستیم که سخت‌ترین قوانین تابعیتی را دارد».

دکتـر نعمت احمـدی وضعیـت مهاجـران در جامعه ایران را چنین توصیف می‌کند:

«از منظری، مهاجران افغان از همه سوبسیدهای دولتـی اسـتفاده می‌کننـد. از آب، بـرق و وسـایل نقلیه عمومی اسـتفاده می‌کنند و به دولت مالیاتی پرداخت نمی‌کنند و به‌لحاظ عدم ثبت اطلاعاتشـان، پیگیری تخلفات و جرائم آنها دشوار است.

اما اگر با دید انسـانی به مسـئله افاغنه در ایران نـگاه کنیم، یک ترازدی تمام‌عیار اسـت. کسـانی که از اصلی‌تریـن حقوق انسـانی حتـی هویت، بی‌بهره هسـتند. کسـانی کـه سـخت‌ترین مشـاغل را بدون بیمـه انجام می‌دهند و هر روز با ترس و وحشـت از ردّ مرزشـدن (برگردانده‌شـدن به خاک افغانسـتان) و در بدتریـن شـرایط زندگی می‌کنند. نسـل دوم این مهاجـران عـده زیادی هسـتند که به‌دلیل نداشـتن اوراق هویتـی، از حـق تحصیـل محـروم هسـتند. افغان‌هـا عمـلا در محاکم قضائی قـادر به پیگیری حقوق خود نیسـتند. چندسال قبل در ماجرای بیجه در پاکدشـت، که ۹ کودک را به قتل رسانده بود، اکثرا قربانیـان، کودکان افغان بودند. نیمـی از خانواده‌ها شکایتشـان را تعقیب نکردند و از ایـران فرار کردند؛ حتی اگر خطری متوجه جانشـان هم باشـد قادر به رفتـن به دادگاه نیسـتند، چـون فاقـد اوراق هویتی هسـتند. حتی توانایی گرفتن حقوق‌شـان از کارفرما را ندارند.

جمعیت افاغنه که درحال‌حاضر در ایران زندگی می‌کنند، به اندازه کل جمعیت بعضی از کشـورهای حاشـیه خلیج‌فارس اسـت و این فرصـت بالقوه‌ای بـود که مـا با مدیریت غلـط، آن را بـه تهدید تبدیل کردیم. متأسـفانه ما میزبان بدی بودیم. خیل عظیم مهاجران افغان می‌توانستند به عنوان سفیر فرهنگی ایران عمـل کنند، اما درحال‌حاضر بـا تحقیر و ظلم و بی‌توجهی، بذر کینه و نفرت اسـت که کاشـته‌ایم. متأسـفانه در آینده بزرگ‌ترین دشـمن ما و بزرگ‌ترین چالش امنیتی ایران، افغانستان خواهد بود».

از دیـدگاه نعمـت احمـدی راه‌حل پایـان‌دادن بـه این شـرایط بغرنج، نگاهی انسـانی به مسـئله مهاجرت است.

«برای حل مسئله افغان‌های ساکن ایران، نیاز به یک اراده ملی و یک اراده بالادستی است که از منظر انسـانی به این قضیه نگاه کند. درحال‌حاضر وزارت کشور به‌صورت منفعلانه امور مربوط به افغان‌ها را که اصولا سیاسـت حذف اسـت، به نیروی انتظامی سپرده که به هیچ‌عنوان موفق نبوده است».

در سـفر اخیر محمد اشـرف‌غنی، رئیس‌جمهور افغانسـتان بـه تهران و دیـدارش بـا رئیس‌جمهور موضـوع مهاجـران افغـان، یکـی از رئـوس مهـم گفت‌وگوهـای طرفین بوده اسـت. به‌نظر می‌رسـد در ایـن گفت‌وگوها زمینه‌های این اراده بالادسـتی و اجماع در حل مشـکل مهاجران افغان فراهم شـده باشـد. باید در عمـل دید این دیدارهـا و گفت‌وگوها در عمـل چه اثری بر زندگی امثـال فاطمه و راضیه خواهد داشت.

فوت دختر پورشه‌سوار و واکنش‌های آنلاین

وقتی بعد از مرگ سوژه شدی

فاطمـه جمال‌پـور: «با زندگی قهر نکن چون دنیا منت هیچ کسو نمی‌کشه. هم‌اکنون که در حال نفس کشیدن هستیم، فرد دیگری دارد نفس‌های آخرش را می‌کشد.» {پ.ا} پنج ماه پیش که این متن را پای عکسش سـوار بـر خودرو بنتلی در اینستاگرامـش گذاشت، به ذهنش هـم خطور نمی‌کرد که پنج ماه بعد دیگر نفس نکشد. خبـر کوتاه بود؛ تصادف پورشه‌ای که می‌گفتند منتسب بـه پسر امیـر قلعه‌نویـی اسـت و او تکذیب کـرد؛ در سـاعت ۴:۴۵ دقیقه ۳۱ فروردین‌ماه در محله شریعتی، تصادفـی در اثر کوبیده‌شدن پورشـه به درخت‌ها، ۵۰۰ متر رد خط لاستیک‌ها و سرعت ۲۰۵ کیلومتر در ساعت. خبرهای تکمیلـی‌اش آمد. پسر قلعه‌نویـی اعلام کرد خودرواش را دو روز پیـش فروخته، اما هنوز مدارکش را انتقـال نداده بـوده و یکی از دوسـتان عزیزش را در تصادف از دسـت داده است. بعد هم جست‌وجو برای یافتـن مسافران پورشه آغاز شد؛ یافتن‌شان و روانه‌شدن سـیل کاربران ایرانی به صفحه شخصی (پ.ا)، یکی از سـرنشینان خودرو که در تصادف کشته شده بود. او در بیوگرافی‌اش نوشته بود ۲۳ سـاله، معمار و دی‌ماهی. ۴۹ پست و عکس که همه نمایشی از زندگی لوکس او بودند با متن‌هایی از ترانه‌های رپ، نوشته‌هایی سـاده و کوتاه دربـاره زندگی‌اش یا تک‌مصرع‌هایی. عکس‌هایی که واکنش کاربران را در پی داشتند.

تعـداد دنبال‌کنندگان وی در عرض ۱۲ سـاعت، ۱۲ هزارنفر افزایـش یافت و این درحالـی بود که صاحب حسـاب کاربـری، دیگر در قیـد حیات نبود، ولی سـیل کامنت‌هـا ادامه داشت. بیش از ۱۰هـزار کامنت و نظر دربـاره متوفـی و البته نظـرات متفاوت از درخواسـت آمـرزش و فاتحـه تـا اعـلام انزجـار نسبت بـه طبقه اجتماعی مرحوم. از ترس عذاب قبر و درخواست ندیدن عکس‌ها تا درخواست رپورت برای بسته‌شدن صفحه و البتـه کاربرانی که دوسـتان خود را بـا منشن‌کردن یا برچسب‌زدن زیر عکس‌های او فرامی‌خواندند با عنوان «اونـی کـه در تصـادف پورشـه کشته شد».حـالا یک تصادف و مرگ باعث شده تا اختلافات خرده فرهنگ‌ها در جامعـه پـر از تناقض ایـران خـود را پررنگ‌تر نشان دهند. دیگر باید بـه مرگ او و تصادف پورشه به عنوان پدیـده‌ای اجتماعی دوباره نگاه کـرد. پدیده‌هایی که از دل شبکه‌های اجتماعی بیرون می‌آیند.

ادامه در صفحه۱۹

تخلف بارز شهردار منطقه در ساخت‌وساز میدان سپاه

ساخت‌وساز پادگان عشرت‌آباد قانونی یا غیرقانونی؟

سـرنوشت عمـارت کلاه‌فرنگـی، گـره خـورده بـه ساخت‌وسـاز عظیم‌الجثـه‌ای کـه تکلیفـش مشخص نیست؛ ساخت‌وسـازی که با یک سـهل‌انگاری شهردار منطقه هفت، قد کشید و بلند و بلندتر شد و دارد می‌رود تـا همان نیمچـه منظره کلاه‌فرنگی را هـم، که از پشت حصـار پادگان نمایان مانده، بـرای همیشه مسدود کند. هفتـه پیش بود که شورای‌عالی معماری و شهرسـازی به‌عنوان بالاترین نهاد کشور رأی به توقف ساخت‌وسـاز سپاه پادگان عشرت‌آباد داد و معاون شهرسازی شهرداری این ساخت‌وسـاز را خلاف قوانین و مقررات شهرسـازی خوانـد حالا اما عضـو هیأت‌رئیسه شـورای شهر تهران روایـت دیگری دارد. ابوالفضل قناعتی از تخلف شهردار منطقـه و قانونی‌بـودن ساخت‌وسـاز نیروهـای مسلح در میدان سـپاه سـخن می‌گوید؛ قانونی‌بودنی که از دل تخلف می‌آید. ابوالفضل قناعتی در گفت‌وگو با «شرق»، با بیـان اینکه شهردار منطقه در مورد این ساخت‌وسـاز تخلف کـرده اسـت، گفت: براسـاس توافـق فی‌مابین شهرداری و نیروهای مسلح، هرگاه نیروهای مسلح اعم از ناجا، ارتش، سـپاه و... بخواهند فضایی را در محدوده خود ایجاد کننـد، باید طی نامه‌ای به شهردار منطقه در این خصوص درخواستی را مطرح کنند. شهردار منطقه بایـد ظـرف یک‌ماه مخالفت یـا موافقت خـود را اعلام کند و پاسـخ‌ندادن به نامه براساس توافق‌نامه، به‌منزله موافقت با درخواسـت اسـت. درخصوص ساخت‌وساز در میدان سـپاه نیز، سپاه طی نامه‌ای خطاب به شهردار منطقه هفـت این موضـوع را مطرح کرد، امـا شهردار منطقـه هفـت در ایـن یک‌مـاه هیچ‌گونه پاسـخی به درخواست سپاه نداد و از آنجایی که براساس توافق‌نامه، عدم پاسـخ‌گویی به‌منزله پاسـخ مثبت اسـت، سپاه نیز ساخت‌وساز را آغاز کرده است. عضو هیأت‌رئیسه شورای شهر با بیان اینکه بررسی‌ها نشان داده است که شهردار منطقه هفت بـه دلیل بیان عـدم موافقت خود تخلف کرده اسـت، گفـت: در فاز اول ساخت‌وسـاز، شهرداری بـا عدم‌بیان مخالفت خود، زمینه را فراهم کرده اسـت. بررسـی‌ها نشان داد که سـپاه به‌صورت خودسـر اقدام به چنیـن عملی نکرده و شهردار منطقـه مذکور در این زمینه سـهل‌انگاری داشته و باید پاسخ‌گو باشد. قناعتی بـا اشـاره بـه رأی شورای‌عالـی معماری و شهرسـازی مبنی‌بر توقف ساخت‌وسـاز میدان سپاه، گفت: مسئولان مربوطه سـپاه درحال پیگیری هستند تا موافقت شورای معمـاری و شهرسـازی کمیسیـون ماده ۵ بـرای ادامه ساخت‌وسـاز را جلب کنند. اگر توانستند، ساخت‌وسـاز ادامـه می‌یابـد و اگر نتوانند باید ساخت‌وسـاز مطابق با طرح جامـع و تفصیلی انجـام شود. قناعتی در پاسـخ به این پرسـش «شرق» که طبق طـرح تفصیلی، تراکم مجـاز در آن منطقه چقدر اسـت؟ گفـت: پنج تا شش طبقه اسـت اما پژمان پشمچـی‌زاده، معاون معماری و شهرسـازی شهرداری تهـران درخصـوص تراکم مجاز منطقـه می‌گوید: کلیه ساخت‌وسـازها باید تابع ضوابط و قوانین باشد. در محدوده میدان سـپاه بناهای تاریخی وجود دارد که باید طبق قانون به حریم آنها توجه داشت و با اسـتعلام از سـازمان میراث فرهنگی و سایر مراجع ذی‌صلاح، اقدام به ساخت‌وسـاز کرد. بـه گفته معاون معماری و شهرسـازی شهرداری تهران، محدوده میدان سـپاه در پهنه G321 قرار دارد که این پهنه فضای سـبز، بـاز و ویژه یا حفاظـت فرهنگی و تاریخی اسـت. وی با بیـان اینکه رعایت مصوبات طـرح جامع تهران در پهنه مذکور (G321) برای محدوده میدان سپاه الزامی است، گفت: هرگونه ساخت‌وساز در این محدوده باید با دریافت تأییدیـه از مراجع ذی‌صلاح ازجمله شهـرداری تهران، کمیسیـون مـاده ۵ و سـازمان میراث فرهنگـی باشد و به‌طور حتم، این ساخت‌وسازها باید متوقف شود. معاون معماری و شهرسازی شهردار تهران با اشاره به مکاتبات متعدد اداره کل امور نهادها، سازمان‌ها و نیروهای مسلح شهرداری تهران و شهـرداری منطقه هفت اضافه کرد: شورای‌عالی شهرسازی و معماری نیز مخالفت خود را با این بنا اعلام کرده و خواستار رعایت ضوابط تعیین‌شده و عمل به قانون شده است.

اینها همه در حالی اسـت که شورای‌عالی معماری و شهرسـازی، در اولیـن جلسه سـال‌جاری خـود که در ۱۷ فروردیـن ۹۴ بـا حضـور رئیـس، اعضـا و مقامـات محلـی اسـتان‌های مربوطه تشکیل شد، دسـتور توقف ساخت‌وسـاز در میدان سـپاه و فراهم شـدن زمینه‌های حضور مردم در این بنای تاریخی را صادر کرد.

مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو ۱۰۸ شیء تاریخی را به ایران پس داد

بازگشت «گنج بزرگ» به ایران

شـرق: ۱۰۸ شیء تاریخی چغامیـش، صبح چهارشنبه دوم اردیبهشـت در مراسـمی با حضـور «محمدحسن طالبیـان»، معـاون میـراث فرهنگی و «گیل اسـتاین»، رئیس مؤسـسه شرق‌شناسی شیکاگو آمریکا، بعد از ۵۱ سـال به ایران بازگردانده و در موزه ملی ایران رونمایی شد.

در این مراسـم که با حضور خبرنگـاران انجام شد، «گیل اسـتاین» اشیای اسـتردادی چغامیـش را «گنج بـزرگ» دانسـت و تأکید کرد: پژوهشگـران با کاوش در ایـن آثار، می‌توانند اطلاعات زیـادی از نظر شهرنشینی، اقتصـادی و بازرگانی در این محوطه به دسـت آورند. من امیدوارم مؤسسه شرق‌شناسـی شیکاگو بتواند یک برنامه‌ریـزی مـدون بـرای مطالعـات و همکاری‌های بین‌المللی بین ایران و دانشگاه شیکاگو امضا کند.

«قبل از انقلاب اسـلامی، این آثار به‌صورت امانی به شیکاگو بـرده شدند تا روی آنها تحقیق انجام شود، اما پـس از انقلاب و در گیرودارهـای اداری آنجا ماندند تا مدتـی پیش که با برطرف‌کـردن مشکلات حقوقی، این آثار اکنون در اختیار ایران هستند.» این توضیحی اسـت که رئیس مؤسسه شرق‌شناسـی شیکاگو آمریکا درباره پیشینه ماجرا بیان کـرد. وی افزود: برخی از کسانی که این آثار را می‌بینند، یک پرسـش از مـا دارند که آنها از نظر قیمت چقدر اهمیت دارند؟ پاسـخ من به آنها این بوده اسـت کـه این آثار تکه‌های گلـی هستند که شاید قیمـت پولـی چندانـی نداشته باشـند، امـا از آن نظر اهمیـت دارند که تمـدن ایران را به‌عنـوان مهد تمدن جهان نشـان می‌دهند. درواقع این آثـار متعلق به یک دوره شهرنشینـی هستنـد که نمونـه آن را به‌جز ایران فقط در عراق داریم.

رئیـس مؤسـسه شرق‌شناسـی دانشگـاه شیکاگـو در پاسـخ به پرسـشی درباره تمایل این مؤسـسه برای نشان‌دادن حُسن‌نیتش به ایران و کمک برای بازگرداندن دیگـر آثار تاریخـی در اختیار این مؤسـسه مانند الواح هخامنشـی گفت: لوح‌های گلـی تخت‌جمشید یکی از مهم‌تریـن مدارک ایران هستنـد. از زمانی که این آثار را در اختیار داریم، سـعی کرده‌ایم به‌صورت سیستماتیک آنهـا را چاپ و ترجمه کنیـم، اما اکنون آنهـا از اختیار ما خـارج شده‌اند. ایـن بسته به تصمیـم دادگاه عالی آمریکاست و امیدواریم به‌زودی رأی به‌نفع ایران صادر شـود تا به ایـران برگردانـده و باز کـار روی آنها انجام شـود. او بـا اشاره به روند سـیستم حقوقـی آمریکا در سـه مرحله دادگاه پایین، دادگاه میانـی و دادگاه عالی اظهار کرد: در پرونده الـواح شیکاگو، قضات دو دادگاه نخست رأی‌های محکمی را به‌نفع ایران صادر کرده‌اند، از سـوی دیگر براساس سـنت، زمانی‌که دو دادگاه اول به‌نفع پرونده رأی دهـد، دادگاه عالی نیز به همان رأی قانع می‌شود.

او بـه متنی که در این پرونـده درباره الواح آمده نیز اشاره کرد که «اینها مواد فرهنگی و ذخایر فرهنگی یک ملت هستند و به هیچ فردی تعلق ندارند و نباید از آنها گرفته شود.» استاین با اظهار امیدواری از اینکه «امسال رأی دادگاه به‌نفع ایران صادر شود»، از موزه ملی ایران خواست به‌عنوان یکی از رسالت‌های موزه‌ای، اطلاعات مـوزه ملی به‌عنوان «موزه مـادر» را در قالب اطلاعات بروشـور و کاتالوگ به شکـل عامیانه‌تر که مردم آنها را درک کنند، به دیگران منتقل کند.

محمدحسـن طالبیـان، معـاون سـازمان میـراث فرهنگی نیز در این رابطه گفت: ۲۶۴ شیء از چغامیش کـه طـی ۱۱ فصـل کـاوش کشـف شـده بود، توسـط مؤسسه شرق‌شناسـی دانشگاه شیکاگو در سال ۱۳۴۳ بـرای مطالعات علمی و با سـه شرط بـه امانت گرفته شـد. این مؤسـسه متعهد شده بود اشیا را پس از سـه سـال و بعد انجام فعالیت‌های علمی، به سـلامت به دفتر باستان‌شناسـی وقت در ایـران بازگرداند و گزارش مفصلی نیـز از فعالیت‌های علمی ارائـه دهد، که این اتفـاق تا امروز رخ نداده بود. او دربـاره اشیای تاریخی چغامیـش گفـت: ایـن اشیا شامـل توپک‌هـای گلی، ژتون‌هـا و لوح‌هایـی در زمینـه مدیریـت بازرگانـی و اقتصـادی آن زمان ایران هستنـد و قدمتی هشت هزار سـاله دارنـد. طالبیان با اشـاره به اینکه ایـن کتیبه‌ها، اسـناد اقتصادی ایران در آن زمـان محسوب می‌شوند، عنوان کـرد: چغامیش مهم‌ترین و کلیدی‌ترین سـایت قبل از شوس اسـت و به‌عنـوان منطقه مهم کشاورزی و اقتصادی مطرح بوده است.

یکـی دیگر از حاضران در این برنامه عباس علیزاده، اسـتاد و رئیس پـروژه پیش از تاریـخ دانشگاه شیکاگو بود. او نیز درباره اهمیت این آثار گفت: «آثار موجود در محوطه چغامیش از این نظر اهمیت دارند که نخستین «مدارک مدیریت اداری در ایـران» را تشکیل می‌دهند. سـه تا چهار هزار سـال پیش از میـلاد، جوامع متحول شدند و به سـمت شهرنشینی رفتند، به‌همین‌دلیل یک بازرگانی بین‌منطقه‌ای ایجاد شد که از مهم‌ترین مدارک آن توپک‌های گلی هستند که وسط آنها ژتون قرار داده می‌شـد و نمایندگانـی که قصد داشتند یـک شیء را از یـک منطقه در منطقه دیگر به فروش برسـانند، کالا را به‌همراه مُهری که روی این توپک‌های گلی زده می‌شد به منطقه موردنظر برده و معامله می‌کردند. با گذشت حدود ۲۰۰ سـال از آن زمان، به مرور خط شکل گرفت، چـون فن مدیریت اداری در این آثار به‌وضوح مشخص و برنامه‌ریـزی شده بود.»سـایت چغامیـش در منطقه دشتستان خوزسـتان و در کنار رودخانـه دز قرار گرفته است. در آنجا خانه‌های پیشرفته با خشت وجود داشته و فعالیت‌های کشاورزی و مدیریت بازرگانی و اقتصادی نیز در این منطقه انجام می‌شده است.

تک خبر

پیش‌شرط‌های حذف طرح «زوج و فرد»

● **ایسـنا:** دبیـر شـورای‌عالی هماهنگـی ترافیـک شهرهای کشـور با تأکید بر اجرای سـامانه یکپارچه معاینه فنی ایران (سیمفا)، گفت: لازمه اجرای طرح «محـدوده کم‌آلاینده» (LEZ)، برخورداری کشـور از سـامانه یکپارچه معاینه فنی است که توسط وزارت کشور پیگیری می‌شود.

مهـدی یدی همدانـی درباره راه‌اندازی سـامانه یکپارچه معاینه فنی ایران، به‌عنوان یکی از مقدمات اجرای طرح کم‌آلاینده در شـهر تهران، گفت: در این سـامانه تصمیم گرفته شده سـرورهای معاینه فنی سراسـر کشـور در دیتاسنتر وزارت کشـور مستقر و از بسـترهای ارتباطی این وزارتخانه برای اجرایی‌کردن ایـن سـامانه اسـتفاده شـود تـا مراکز معاینـه فنی سراسـر کشور به سـامانه متصل شـوند. وی افزود: ایـن سـامانه بـه وزارت راه و شهرسـازی و نیـروی انتظامـی نیـز متصل می‌شـود و همچنیـن خطوط معاینـه فنی در مراکز مختلف به‌صورت مسـتقل به سـامانه متصل می‌شـوند و کلیه فرایندهای پذیرش خودرو، آزمون‌های فنی و صـدور کارت معاینه فنی از طریق سـامانه انجام می‌شود. به‌طور کلی تمامی عناصری که داخل یک مرکز معاینه فنی وجود دارد، به‌عنوان جزئی از یک شـبکه بزرگ کار خواهند کرد. وی تأکید کرد: اجرا و تکمیل این سـامانه بر اسـاس مصوبه دولت باید تا پایان خردادماه انجام شود؛ ولی دراین‌راسـتا مشکلاتی در سـطح ملی وجود دارد که تلاش می‌کنیم در مهلت تعیین‌شده سامانه یکپارچه معاینه فنی ایران آماده شـود. وی با اشاره به وجود ۴۰۰ مرکز معاینه فنی در کشـور، گفـت: از این مراکز تنها ۵۰ مرکز به سـامانه فعلی، که توسـط سـازمان شـهرداری‌ها و دهیاری‌هـای کشـور طراحی شـده، متصل نیسـتند که این ۵۰ مرکـز در تهران و برخی از کلانشهرهای کشور مستقر هستند.

همدانی تأکید کرد: عدم اتصال به این سـامانه به معنای این نیست که در تهران معاینه فنی به‌صورت کامـل انجام می‌شـود و در دیگر شـهرها این فرایند به‌صورت کامل اجرا نمی‌شـود؛ مشـکل موجود این اسـت که اگرچه معاینـه فنی در مراکـز دیگر کامل انجام می‌شود؛ اما چون سامانه جامع و کاملی وجود ندارد، امکان دسترسـی به اطلاعات خودروهایی که در شهرهای دیگر معاینه فنی گرفته‌اند، وجود ندارد.
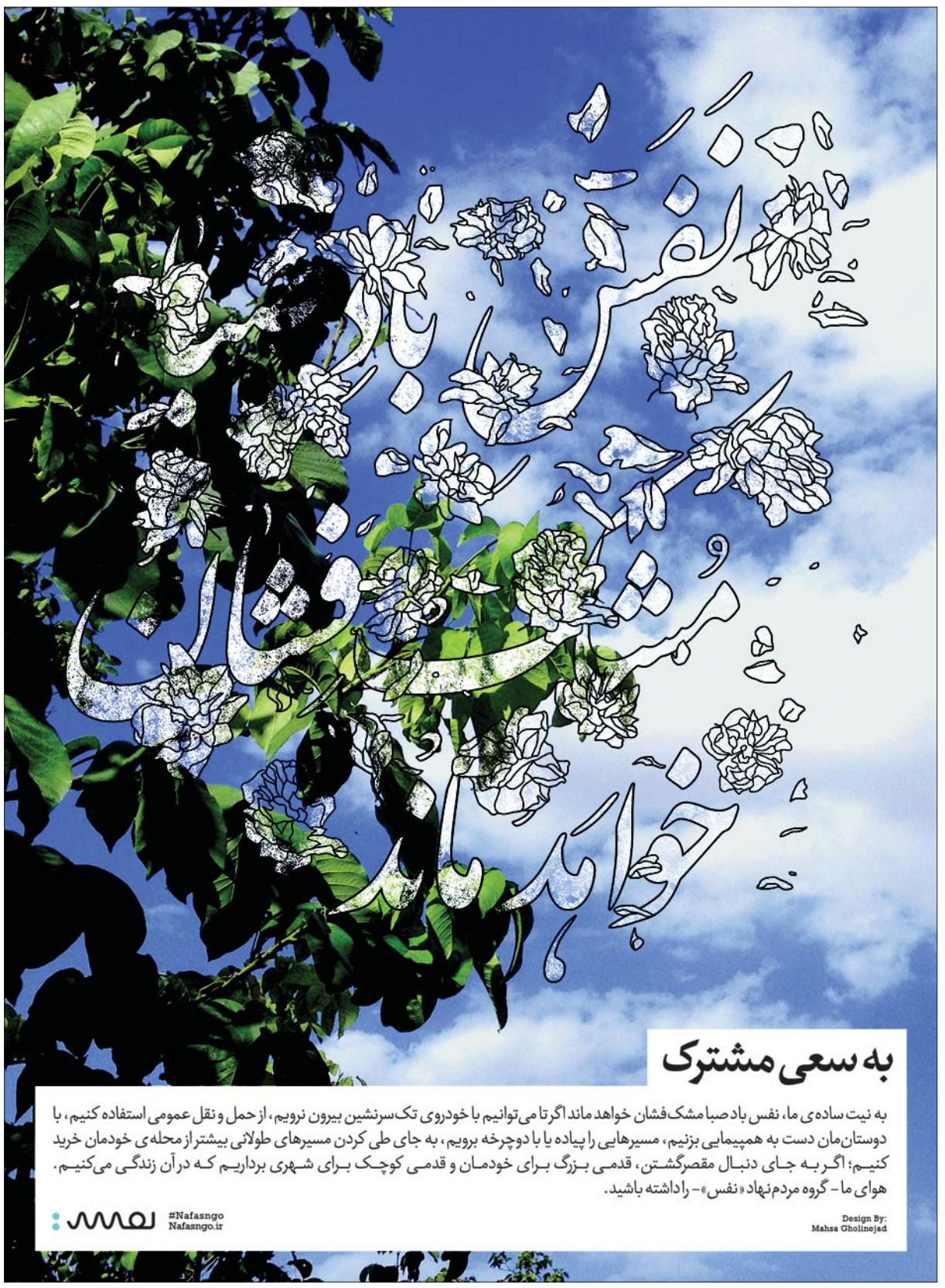
وی گفـت: اجـرای طـرح زوج یا فرد با شـرایط فعلی در تمامی روزهای سال مبنای قانونی ندارد.